

دکتر احمد علی رجائی

معرفی رساله خطی

# العویص فی الاحکام

و مؤلف آن

عویص در لغت بمعنی سخن دشوار است و «العویص فی الاحکام» یا بتداول عموم، عویصات فقه، رساله‌یی است که شیخ مفید در باره مسائل دشوار فقهی و جواب آنها تألیف کرده است. دانشمندان از قدیم باین اصل آشنا بوده‌اند که تا کسی بدقایق و رموز علمی پی‌نبرد از عهده فهم و حل مسائل آن علم برنخواهد آمد از این رو کتب خود را طوری پرداخته‌اند که در هر فصل آن برای متعلم مجال بحث و امان نظر و تمرین و تدقیق فراهم باشد و هرچیز را تا بامیزان خرد خویش نسنجد و با اصولی که پذیرفته موافق‌نہ‌بینند نپذیرد و از طریق بکار گرفتن فکر و حل مسائل بسیار ملکه‌یی در او ایجاد شود که صحیح را از سقیم و خطا را از صواب تمیز دهد و رفته‌رفته از مبادی و موضوعات به مسائل علم و کلیات پی‌ببرد باین ترتیب از تیه تقلید به‌طور اجتهاد واصل گردد.

بدین‌جهت نباید قدمای دانشمندانی را که درباره احکام استثنائی و مسائل کم‌نظیر و امور نادرالوقوع بحث کرده و رسالاتی پرداخته‌اند مردمی کج‌سلیقه و بی‌کار تصور کرد زیرا علم بی‌احاطه بر مسائل حاصل نمی‌شود همان‌گونه که بی‌بحث هم پایدار نمی‌ماند و اگر عمیقاً به‌علل سیر نزولی معلومات خاصه در مدارس جدید توجه‌شود شاید یکی از اهم آن علل ترک‌شویوه مرضیه پیشینیان ما در باره نحوه تحصیل علم باشد.

تعلیمات امروز غالباً سطحی و بی مغز و مایه‌است، طلاب و دانشجویان ما فقط بدنبال وجه صحیح می‌گردند و به‌نظریات (نه‌نظرات...) و استدالات موافق و مخالف یک‌موضوع کمتر آشنایند از این‌رو چیزی را عمیق و مستدل نمی‌دانند و اگر سرموئی خارج از متنی که خوانده‌اند سؤالی بعمل آید یا مثالی خواسته شود در میمانند و قدرت دفاع از اصولی که حفظ کرده‌اند ندارند و بدیهی‌است که با این پایه امیدپرورش نامداران بسیار اندک‌است.

در رساله العویص فی الاحکام مجموعاً ۸۸ مسأله طرح شده و برای بعضی از آنها چندین جواب بیان گردیده‌است باین شرح :

در نکاح	۹ مسأله
در طلاق و مهر و ایلاء و عده و ظهار	۳۸ «
در حدود و دیات و سایر مسائل	۱۷ «
در ارث	۸ «
در اثبات نسب و مسائل مورد اختلاف	۶ «
در سوگند و نوادر طلاق	۹ «
در اقرار بحق	۱ «

این مسائل برای کسانی که با امور قضائی سروکار دارند بی‌فایده نیست و راه‌حلهای منطقی آن در موارد مشابه بکار می‌آید و برای افرادی که در علوم اسلامی کار می‌کنند و آنان که در مباحث فقهی به مطالعه می‌پردازند لازم و سبب‌تشحیذ ذهن و توسعه فکر است.

\* مؤلف رساله<sup>۱</sup> العویص فی الاحکام، مخمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام عکبری بغدادی ملقب به شیخ مفید و ابن‌المعلم از مشایخ بزرگ و پیشوایان و استادان بنام شیعه است. تولدش روز یازدهم ماه ذی‌قعدة سال ۳۳۶ (۱) و وفاتش در شب جمعه سوم ماه رمضان سال ۴۱۳ (۲) هجری قمری و مدفنش در محل مقابر قریش، پائین‌بای امام جواد علیه‌السلام در کنار قبر شیخ خود ابن‌قولویه است. لقب مفید را یکی از بزرگان ازاہل سنت و جماعت بنام علی بن عیسی رمانی در نخصتین جلسه<sup>۳</sup> (۳) برخوردار پس از بحثی دربارهٔ درایت و روایت که بسیار خواندنی است بدو داده است و این علی بن عیسی همان کسی است که بعدها شیخ مفید ردی بر عقاید او نوشته است. شیخ مفید بنا بنقل ابن‌کثیر (۴) مردی بخشنده و راحت‌رسان بوده که لباس خشن می‌پوشیده و با خشوع نماز بسیار می‌گزارده است. دوران شهرت او با ایام دولت آل‌بویه مصادف است و هنگامی که عضالدوله از او دیدن کرده پیری گندم‌گون و ضعیف بوده و متجاوز از هفتادسال عمر داشته است.

شیخ مفید علاوه بر علم وافر و احاطه کامل، بسیار تیز هوش و حاضر جواب بوده و در نقض ورد و مناظره و بحث دستی‌قوی داشته است که خواندن شرح آن احتجاجات و مناظرات بسیار دلکش و آموزنده است خاصه گفت‌وگوهای او با علی بن عیسی و ابوبکر باقلانی و مباحثاتی که در مسائل تخطئه و تصویب و چگونگی خلافت با علمای عامه دارد و مناظره‌یی که در رؤیا با یکی از خلفا در موضوع غار ترتیب داده و همچنین مباحثه‌اش با قاضی عبدالجبار معتزلی خواندنی است که برای ملاحظه آنها می‌توان پیاره‌یی از کتب موجوده خود شیخ و کتب

۱- بقولی ۲۲۸ ۲- روضات الجنات خوانساری ص ۵۳۶ چاپ سنگی چاپ دوم ۲- روضات ص ۲۸۵

۴- البدایه و النهایه جزء ۱۲ ص ۱۴

فراوانی که در این زمینه وجود دارد چون کتابی که سید مرتضی در آن باب تألیف کرده و السرائر ابن ادریس و کتاب فهرست و تهذیب الحدیث شیخ طوسی و روضات الجنات خوانساری و کنز الفوائد ابوالفتح کراچکی و مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری و خلاصه علامه و بحار الانوار مجلسی و نوادر سید نعمه الله جزائری و تعلیقات الرجال بهبهانی مراجعه کرد. آثار مکتوب شیخ مفید را متجاوز از دویست فقره ذکر کرده‌اند که البته همه آنها در دست نیست ولی غالب علمائی که پس از او ظهور کرده‌اند با استفاده از خرمن فضل و اندوخته علمی این استاد بزرگ عالم تشیع معترف‌اند چنانکه شیخ طوسی کتاب تهذیب الحدیث خود را بر اساس کتاب المقنعه او تألیف کرده و مجلسی هنگام تألیف بحار الانوار ۱۸ مجلد از مصنفات شیخ را پیش چشم داشته است. این توجه با آثار شیخ مفید گذشته از شاخصیت علمی بسبب امانت او در نقل اقوال بزرگان دین است چنانکه یحیی بن بطریق حلی باین مسأله اشاره می‌کند.

آزاد فکری و حقیقت‌پروری شیخ مفید نیز بسیار قابل توجه است چه او مقداری از عقاید شیخ صدوق را با کمال احترامی که با او داشته مؤدبانه و با زبردستی در کتاب شرح عقاید صدوق رد کرده و یا لاقبل باید گفت از نظر گاهی دیگر نگرسته و نپذیرفته است. و اینکه بعضی نوشته‌اند مطلقاً اختلافی در بین نبوده است جنبه تعارف و مجامله دارد.

شیخ همواره مورد توجه و احترام ملوک زمان خود قرار داشته است. مجلس درس و بحثش مطاف اهل علم و کتبش مرجع فقها و علمای کلام و سخنش حجت و مستند شیعیان و دیگر مسلمانان بوده است.

شیخ مفید عزیز و محترم زیسته و عزیز و محترم روی در نقاب خاک کشیده است. روز مرگش مخالف و موافق بر فقدانش گریسته و چنانکه نوشته‌اند میدان اشنان با همه وسعتش برای نماز گزاران بر او که پشت سر سید مرتضی صف بسته بوده‌اند تنگی می‌کرده است.

✽ اینست حال و روز گار مردی عالم و شاهی ایرانی نژاد و علم دوست که با همه حشمت شاهی، بدیدار دانشمند زمان خویش می‌شناخته است. تردیدی نیست که برای پیری از هفتاد در گذشته، تشویق و عنایت عضدالدوله نمی‌توانسته است سودبخش باشد، اما چه بسا جوانان مستعدی که این تشویق‌ها آنان را براه صلاح و جرگه اهل علم در آورده است.

مقارن همین اوقات با ۲ - ۳ سالی اختلاف، مرد بزرگ دیگری که احیا کننده زبان فارسی و از افتخارات ایران است در طوس، مطرود و مایوس درمی‌گذرد و شیخ شهر رهامی کند که جنازه‌اش را در گورستان مسلمانان بخاک سپارند چه می‌دانسته که شاه غیر ایرانی وقت مخالف اوست، غافل از اینکه قبر مردان بزرگ سر تا سر زمین است و خاطره زحمات و خدمات دانشمندان و نیکمردان شمع است که همواره بر دلها پرتوافکن است که: للحق دوله وللباطل



مسأله ۴ - دو مرد بایکدیگر راه میرفتند. بر سر یکی از آندو دیواری فرو ریخت و باعث هلاکتش گردید و باین سبب زن آن مرد دیگر بروی حرام شد.

جواب - این مردی است که دخترش را بنکاح غلام خود در آورده و در موقعی که خواجه و غلام بایکدیگر راه میرفته‌اند دیواری بر سر خواجه فرو ریخته و او را کشته و غلام ببارت از آن دختر گردیده و باین ترتیب بلافاصله دختر (که مالک غلام شده) بر غلام که شوهرش بوده حرام گردیده و این حکم باجماع مسلم است.

صورت دیگر - و آن اینست که هر دو مرد آزاد بوده‌اند و کنیز یکی را آن دیگری ترویج کرده باشد پس دیوار بر سر صاحب کنیز فرو ریزد و باین سبب درگذرد و کنیز که زن آن مرد زنده است جزو میراث بملکیت ورثه متوفی درآید و بواسطه این انتقال ملکیت بر شوهرش حرام گردد و این جواب مورد اختلاف است.

مسأله ۵ - مردی زنی دارد که اختیار نکاحش بدست اوست. مرد دیگری برای فرمانبری خداوند کاری را تبرعاً انجام میدهد و این عمل او سبب می‌گردد که زن مذکور از شوهرش جدا شود و صاحب اختیار خودش گردد اگر چه شوی اینکار را نپذیرد و از آن ناخشنود باشد.

جواب - این مردی است که کنیزش را بغلام قومی بزنی داده است بعد آن کنیز را در راه خدا آزاد میکند در این هنگام کنیز مختار است بماندن نزد شوهر خود یا جداشدن از او و این جواب مورد اجماع آل محمد علیهم السلام است ولی عامه در این باب اختلاف دارند.

مسأله ۶ - مردی سه روز از زنش دور شد زن باو نوشت که من بعد از تو با مرد دیگری ازدواج کرده‌ام و برای مخارج بمال نیازمندم برای مصارف خودم و شویم خرجی بفرست. باین ترتیب بر آن مرد واجب شد که طبق دستور زن رفتار کند و در این عمل هم براو باکی نبود.

جواب - این زنی است که پدرش او را بنکاح بنده خود در آورده و مالی در اختیار بنده گذارده و پیش از آنکه با دختر هم‌بستر گردد اجازه سفر و تجارت بساو داده است.

هنگامیکه غلام باندازه دو روز راه از شهر دور میشود آقا فوت میکند و بنده جزء ارث بدخترش که زوجه آن غلام بوده میرسد و باین سبب دختر بر او حرام و بر دیگران حلال میشود. پس دختر با مردی که میخواست ازدواج میکند و بغلام دستور میدهد که مقداری از مال پدرش را که میراث او بوده برایش بفرستد تا بپهرنحویکه بخواهد در آن تصرف کند. باین طریق انجام این دستور بر غلام واجب می‌گردد بدون اختلاف و این جواب تقریباً اجماعی است.

مسأله ۷ - مردی زنی را تزویج کرد بمهری که نه کشیدنی بود و نه کیل کردنی و نه لمس کردنی نه جوهر و نه از اموال و نه از اثاث البیت و اعراض بود باوجود این نکاحش صحیح انجام گردیده و برفق سنت هم رفتار کرده بود.

جواب - این کسی است که زنی را عقد کرده و مهر او را سوره یا آیه‌ای از قرآن یا کلمه‌ای از حکمت قرار داده است و در این جواب شیعه امامیه اجماع دارند و از اهل سنت جمعی موافق و گروهی مخالف آنند.

مسأله ۸ - مردی زنی را نکاح کرد و مهر او را هزار درهم قرار داد پس او را طلاق گفت و بر زن واجب شد که هزار و پانصد درهم ببرد بدهد.

جواب - این زنی است که مهریه خود را مبلغ هزار درهم از شوهرش دریافت میکند و بعد چندتن را گواه میگیرد که مهر خود را بشوهرش بخشیده است هنگامیکه شوهر از این سخن زن آگاه میشود قبل از اینکه با او نزدیکی کند طلاقش میگوید در این صورت زن که مهر را قبل از همبستری با شوهرش قبض کرده شرعاً مستحق بیش از نصف آن نیست و باید پانصد درهم را باین عنوان پس بدهد از طرف دیگر چون هزار درهم را بنا بگفته خود بشوهر خویش بخشیده است باید آنرا نیز بپردازد (۱) و این گفته اجماعی است.

مسأله ۹ - زنی است که عده<sup>۱</sup> او فقط یکساعت است.

جواب - این زن بارداری است که طلاق داده شده و پس از یکساعت دضع حمل کرده است و قول در این مسأله اجماعی است .

مسأله ۱۰ - مردی با زنی که بر او حرام نبود نزدیکی کرد و بدین سبب واجب شد که بر مرد نهان از نظر مردم و بر زن آشکارا حد جاری شود .

جواب - این مردی است که زنی خود را کنیز وی وانمود میکند و مرد چنین میپندارد که زن در حقیقت کنیز اوست و در این مسأله امیرالمؤمنین علیه السلام بدین طریق که بیان شد حکم داده‌اند.

مسأله ۱۱ - مردی با قلا فروش در دیگی با قلا ریخته بود. گله‌ای گوسفند با چوپانش از آنجا گذر کرد . یکی از گوسفندان برای خوردن با قلا سرخود را بدرون دیگ برد و بعد هر چه کرد نتوانست از آنجا سرش را بیرون بیاورد و کار با قلا فروش و چوپان بنزاع و جنجال کشید بر سر اینکه باید دیگ را شکست تا گوسفند سالم بماند یا سرگوسفند را برید تا دیگ شکسته نشود حکم در این موضوع چیست؟

جواب - اگر دیگ در گذرگاه عمومی بوده برعهده با قلا فروش است که برای سلامت

۱- چون صدقه عقد جداگانه بی‌است و وفای بهر عقدی واجب است .

ماندن گوسفند دیگ را بشکنند ولی اگر دیگ در جایگاه نشست و ملک شخصی او قرار داشته بر صاحب گوسفند است که آنرا بکشد تا دیگ سالم بماند و در این باب آثار منقولی در دست است.

مسئله ۱۳ - دو برادر که هر دو از یک پدر و مادر بودند یکی تمام مال را بارث برد و دیگری هیچ چیز بارث نرسید در حالیکه بین آنان از لحاظ دین نیز اختلافی وجود نداشت. جواب - کسیکه فوت شده پسر یکی از این دو برادر است و پدرش تمام مال او را میبرد و معمولی میت که برادر پدرش باشد چیزی نمیرسد باتفاق علما.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی